

تأثیر آموزش موسیقی بر پرورش خلاقیت دانش آموزان دوره ابتدایی

هایده احمدی، نوشین محمدی، بهشته سعیدیان مهین زنگنه

۱- کارشناسی ارشد علوم تربیتی، آموزگار ابتدایی آموزش و پرورش ناحیه یک سنندج

۲- کارشناسی ادبیات فارسی، آموزگار ابتدایی آموزش و پرورش ناحیه یک سنندج

۳- کارشناسی حسابداری، آموزگار ابتدایی آموزش و پرورش ناحیه یک سنندج

۴- کاردانی زبان انگلیسی، آموزگار ابتدایی آموزش و پرورش ناحیه یک سنندج

Email: (haydeahmadi¹@gmail.com)

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر آموزش موسیقی بر پرورش خلاقیت دانش آموزان دوره ابتدایی می باشد. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش، توصیفی از نوع همبستگی می باشد. جامعه آماری پژوهش شامل دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر سنندج بودند. ابزار گردآوری شامل پرسشنامه خلاقیت تورنس و همکارانش (۱۹۹۸) بود که روایی این ابزار به تأیید اساتید رسید و پایایی به روش آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت که، $0/82$ بدست آمد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون های آماری کولموگروف اسمیرنوف، همبستگی پیرسون، آزمون t همبسته استفاده گردید. نتایج نشان داد، نمره میزان خلاقیت دانش آموزان در پیش آزمون $48/90$ بود که در پس آزمون به $65/70$ افزایش یافته است و این افزایش از نظر آماری نیز معنادار می باشد ($p=0/006$). در واقع، بین آموزش موسیقی با میزان خلاقیت دانش آموزان دوره ابتدایی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

کلمات کلیدی: آموزش موسیقی، خلاقیت، دانش آموزان، معلمان.

۱- مقدمه

دوران کودکی نقشی حساس و تعیین کننده در زندگی انسان دارد. توجه به این دوران به حدی است که روانشناسان و صاحب نظران و پژوهشگران تعلیم و تربیت آن را غالباً برجسته ترین مرحله در تکوین شخصیت انسان دانسته اند. همچنین روانشناسان وجود تعارضات، اختلالات و نابسامانی های روانی در این سنین را از عوامل اساسی بروز مشکلات در سراسر زندگی فرد می دانند (راد بخش و همکاران، ۱۳۹۲). یکی از مواردی که امروزه توجه بسیاری از روان شناسان را به خود جلب کرده است مسئله خلاقیت کودکان است. در طول تاریخ خلاقیت به مثابه جلوه ای از الهامات عرفانی بوده و تنها در دوران مدرن است که خلاقیت به موضوعی برای مطالعات تحقیقی تبدیل می شود. امروزه طبق یک نظر علمی، خلاقیت شامل تولید چیزی است که نو، متفاوت، نوآورانه و در عین حال مفید و مرتبط و مناسب برای انجام یک کار باشد. طبق تئوری ها و مطالعات متمرکز بر توسعه خلاقیت، خلاقیت قابلیت طبیعی در هر شخص با سطوح و سبک های مختلف است که شامل کودکان نیز می شود (دورون^۱، ۲۰۱۷). تورنس نیز به اهمیت توسعه خلاقیت در میان کودکان به ویژه کودکان ابتدایی در همه جنبه های زندگی اشاره می کند و اطمینان می دهد که اگر هیچ اهمیتی به توایی های خلاقیتی کودکان داده نشود، آنگاه انرژی آنها هدر می رود و به کار گرفته نمی شود و این منجر به وابستگی کودکان به دیگران می شود و ممکن است به نوعی اختلال شخصیتی منجر شود. در خردسالی، تمامی کودکان استعداد خلاق خود را در قالب فعالیت های مختلفی بروز و بسط و گسترش می دهند؛ از جمله آنکه آنها به طور طبیعی آواز می خوانند، بازی می کنند، نقاشی می کشند، قصه و داستان هایی را حکایت می کنند سوالات متنوع می پرسند. با وجود این، برخی چنین فعالیت هایی را شاهدهی بر توسعه خلاقیت

^۱. Doron